

تدوین الگوی پارادایمی حکمرانی نظارتی کارا و اثربخش بر شبکه بانکی کشور

فرشاد حیدری^۱

زینب رجبی^۲

چکیده

با عنایت به لزوم ارتقای مناسبات، مراودات و همکاری‌های بین‌المللی نظام بانکی کشور که پس از رفع تحریم‌ها قابل انتظار خواهد بود، ارتقای نظارت بانکی و همچنین استقرار و پیاده‌سازی آخرین استانداردها و الزامات بانکی برای فراهم شدن امکان حضور بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی در کشور و متقابلاً حضور بانک‌های کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی بایسته می‌نماید؛ این مهم جز با تمهید شرایط قانونی، نهادی و نظارتی در حوزه بانکداری با هدف غایی ایجاد محیط کسب و کار مساعد بانکی میسر نخواهد شد. هدف از پژوهش حاضر، تدوین الگوی مفهومی برای حکمرانی نظارتی بانک مرکزی در راستای سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. روش تحقیق آن مبتنی بر رویکرد کیفی است که در این پژوهش مبتنی بر راهبرد داده بنیاد است. جامعه آماری تحقیق، شامل خبرگان و متخصصان آشنا به ادبیات بانکی و نظارت بوده که با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند در مجموع تعداد ۲۱ نفر انتخاب شده‌اند. در تحقیق حاضر، داده‌ها به روش مصاحبه نیمه ساختار یافته گردآوری شد و سپس به روش کدگذاری برگرفته از روش نظریه پردازی داده-بنیاد با استفاده از نرم‌افزار Atlasti تجزیه و تحلیل و ابعاد مدل داده بنیاد استخراجی تبیین گردید. برای به‌دست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش استفاده شد که از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد. مقوله محوری پژوهش حاضر، حکمرانی نظارتی مقاوم است که با توجه به شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی، ابتدا ابعاد آن تبیین و راهبردهای تحقق آن تدوین شد و سپس مدل نهایی براساس آن ارائه گردید. در پایان، پیشنهاد می‌شود مدل داده بنیاد حکمرانی نظارتی مقاوم مبتنی بر راهبردهای بازنگری قوانین و مقررات، تنقیح قوانین و مقررات بانکی، طراحی سیستم سیاستگذاری مالی یکپارچه، نهادینه‌سازی سیستم سیاستگذاری مالی یکپارچه، اصلاح نظام مالی، اصلاح نظام بانکی، تقویت نظارت بانکی، فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی نظارت بانکی با محوریت بانک مرکزی اجرا شود.

کلمات کلیدی: حکمرانی نظارتی، نظارت بانکی، اقتصاد مقاومتی، استراتژی داده بنیاد.

طبقه‌بندی JEL: G00, E58

^۱ عضو هیأت عامل و معاون نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران Fa.Heidari@cbi.ir

^۲ دکتری مدیریت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نویسنده مسئول Ze.Rajabi@cbi.ir

مقدمه

بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، جمهوری اسلامی ایران باید با برخورداری از رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و نیل به اشتغال کامل، به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه دست یابد. همچنین، بنا بر بند ۵ الزامات تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله، نیل به چنین جایگاهی مستلزم رشد مستمر ۸ درصدی در بخش اقتصادی با تأکید بر توسعه سرمایه‌گذاری، ارتقای سهم بهره‌وری، بهبود فضای کسب و کار و تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی است. دستیابی به آرمان‌های مذکور، مستلزم پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و به‌کارگیری راهبردهای توسعه‌ای کلان و راهکارهایی فراتر از تجویز سیاست‌های اقتصادی متعارف می‌باشد که همان اقتصاد مقاومتی است و مبین اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشروست که خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... می‌باشد، الگوی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. از طرفی، با عنایت به لزوم ارتقای مناسبات، مراودات و همکاری‌های بین‌المللی نظام بانکی کشور که از رهگذر رفع تحریم‌ها قابل انتظار خواهد بود، ارتقای حکمرانی نظارت بانکی و همچنین استقرار و پیاده‌سازی آخرین استانداردها و الزامات بانکی بین‌المللی برای فراهم شدن امکان حضور بانک‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی در کشور و متقابلاً حضور بانک‌های کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی بایسته می‌نماید. بی‌گمان، تحقق اهداف مذکور در گرو برخورداری از نظام بانکی کارآمد، با ثبات، منضبط و پویاست که لازمه آن تمهید شرایط قانونی، نهادی و نظارتی در حوزه بانکداری با هدف غایی ایجاد محیط کسب و کار مساعد بانکی می‌باشد. چه، ارتقای سطح نظارت بر سیستم بانکی به‌عنوان بخش مهمی از نظام مالی کشور و هماهنگی قوانین و مقررات داخلی در این زمینه با مقررات بین‌المللی حاکم، علاوه بر ایجاد اطمینان در طرف‌های خارجی، به ثبات مالی و افزایش اعتماد مشتریان داخلی نیز کمک خواهد کرد. در این میان، آن‌چه که در برقراری مراودات مجدد با بانک‌های خارجی و برقراری روابط کارگزاری با آنها حائز اهمیت می‌نماید توجه به شاخص‌های نظارت و مقررات بانکی بین‌المللی می‌باشد.

بی‌گمان، از جمله الزامات تعاملات بین‌المللی بانکی نیز در گرو همگرایی بین‌المللی در عرصه نظارت و مقررات بانکی می‌باشد [۱]. که این مهم تنها در پرتو حکمرانی نظارتی خوب بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بر شبکه بانکی کشور میسر می‌گردد. امروزه، شناسایی و سنجش مقررات بانکی و نظارت در سراسر جهان امری دشوار و پیچیده است. علت این پیچیدگی به‌دلیل وجود صدها مورد از قوانین و مقررات در بخش‌های مختلف دولت‌های محلی و ملی، سیاست‌ها و استانداردهای سرمایه‌ای بانک‌ها، الزامات ورود بانک‌های جدید داخلی و خارجی، محدودیت مالکیت بانک‌ها و دستورالعمل تأمین وام و تسهیلات و قرار دادن آنها در راستای استانداردهای جهانی [۲] با رعایت اصول بانکداری اسلامی و بدون ربا می‌باشد. لکن توجه به حکمرانی ناظران بخش مالی، موضوع جدیدی است [۳]. اهمیت حکمرانی را در صورتی می‌توان به بهترین نحو تجزیه و تحلیل نمود که مفهوم «سلسله و یا پیوند حکمرانی»^۱ مطرح می‌شود سلسله و یا پیوند حکمرانی به تأثیر رویه‌های حاکمیتی هر سطح (دولت، ناظران، نهادهای مالی و غیرمالی) بر رویه‌های سایر سطوح اشاره دارد [۴]. بنابراین، لازمه تحقق حکمرانی خوب در سطح ملی توجه به مفهوم سلسله و یا پیوند حکمرانی است که بیانگر چگونگی کیفیت ترتیبات حکمرانی مبنی بر حکمرانی بخش عمومی، مقررات‌گذار/ناظر بخش مالی و نهادهای غیرمالی در سطح ملی است که کیفیت حکمرانی هر کدام بر سایر بخش‌ها، اثرگذار است. زیرا ناظران بخش مالی در ابتدای این سلسله و یا پیوند ایستاده‌اند؛ بنابراین، نقش حساسی را در ایجاد ثبات و حفظ ائمنی و سلامت نظام مالی دارا می‌باشند. بر این اساس، توجه به مباحث حاکمیت خط‌مشی‌گذاران و ناظران در عرصه مالی و بانکی که از این پس حکمرانی نظارتی نامیده می‌شود از اهمیت بسیاری برخوردار است [۵].

صرف‌نظر از مطالب پیشگفته، در حال حاضر، نظام پولی و بانکی کشور از معضلات و مشکلات بسیاری از جمله سهم بالای مطالبات غیرجاری، اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی ج.ا.ا، عدم رعایت استانداردها و موازین بین‌المللی و ظهور و رشد مؤسسات پولی غیرمجاز و غیره رنج می‌برد که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن به فقدان نظام نظارتی کارآمد و مؤثر بازمی‌گردد

¹ Governance Nexus

و متأسفانه، چارچوب و فرآیند تنظیم قوانین و مقررات و نظارت بانکی با کیفیت، منعطف و شفاف با عنایت به اهداف مقرر در سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در کشورمان از کاستی‌ها و ضعف‌های بسیاری برخوردار است. [۶] از طرفی، نظام بانکی کشور به دلیل بخشی‌نگری حاکم در تدوین قوانین و مقررات از یکسو و ناهماهنگی ساختار، سازمان و مأموریت‌های نظام بانکی متعارف با چارچوب قوانین آمره و سیاست‌های کلان کشور و مجموعه انتظارات ناهمگن، در گرداب بلاتکلیفی ساختاری قرار گرفته است. مجموعه این مشکلات و مسائل منجر به این تلقی جدی در میان تصمیم‌گیران اقتصادی کشور گردیده که قطار نظام بانکی از ریل اصلی خود خارج شده و لازم است با اتخاذ تدابیر کلان سیستمی به‌توان مسیر حرکت این نظام را به ایفای نقش اصلی خود هدایت نمود. [۷] از دیگر علل ناکارآمدی نظام بانکی، مشکلات هنجاری و نهادی در این نظام است که با محتوای نظام بانکداری اسلامی و انتظارات دولت تطبیق ندارد. در این خصوص، می‌توان به عدم تطبیق استانداردهای نظارتی و نظامات حسابداری و حسابرسی با قانون عملیات بانکی بدون ربا اشاره نمود. از سوی دیگر، مجموعه بسیار متنوع و گسترده‌ای از قوانین و مقررات عمومی کشور را می‌توان برشمرد که عملاً محدودیت‌های جدی برای ایفای نقش مؤثر نظام بانکی ایجاد کرده است. در این خصوص می‌توان برای نمونه، به ماده ۳۴ قانون ثبت، قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی، ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و غیره اشاره نمود [۸]. از طرفی دیگر طبق درک عمومی، بخش بانکی نقشی کلیدی در اقتصاد ایفا می‌کند و توجه به جنبه‌های حاکمیت شرکتی واسطه‌گران مالی و قانون‌گذاران و ناظران آن‌ها (حکمرانی نظارتی) بسیار حائز اهمیت است چه زیرا این موضوع، نقش حساسی در حفظ ثبات مالی بازی می‌کنند [۹].

^۱ اصطلاح «حکمرانی مقرراتی/ نظارتی» به دو معنا در مقالات و مطالعات صورت گرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی محققان از این واژه برای اشاره به حالت نوظهور حاکمیت زندگی اجتماعی و اقتصادی در شمار زیادی از کشورها از طریق قانونگذاری استفاده می‌کنند. به این معنا، حکمرانی مقرراتی ملاک نظر بوده که ارتباط نزدیکی با مفهوم «دولت قانونگذار» دارد (برای مرور، مثلاً به فیلیپ (۲۰۰۶) مراجعه کنید). در پژوهش حاضر، حکمرانی نظارتی مورد نظر است و به معنای محدودتر به کار می‌رود و به حاکمیت شرکتی سازمان‌های مقررات‌گذار و ناظر اشاره دارد که در دولت مقررات‌گذار ظهور می‌کنند.

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان ادعا کرد که حاکمیت نهادهای ناظر بر نظام بانکی یا در کل نهادهایی که وظیفه سیاستگذاری و نظارت بر بازار پولی و بانکی را عهده‌دار می‌باشند، نقشی محوری در ایجاد اطمینان و اعتماد عمومی به نظام بانکی، حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی و جلوگیری از وقوع هرگونه نارسایی و بحران در این نظام و به‌طور کلی جلوگیری از انتقال نارسایی‌های بخش پولی اقتصاد به بخش واقعی آن که از اهداف اصلی نظارت بر بانک‌ها است به‌عهده دارند و این مهم خاصه در کشور ما با عنایت به ساختار اقتصادی موجود، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. بنابر همین مهم و با شناخت کامل از نقاط قوت و ضعف نهادی و هنجاری نظارت بانکی و اذعان به نقش مهم و مؤثر آن بر روند توسعه‌ای کشور در راستای اجرای تکالیف احصا شده برای بانک مرکزی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه جامع اصلاح نظام بانکی کشور، بیانگر این است که آرایه الگوی مطلوب حکمرانی نظارتی بانک مرکزی در راستای سیاست‌های یاد شده از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و ضروری است بانک مرکزی نیز با انجام اصلاحات عمیق در شیوه و سیاق حکمرانی خود و به‌طور خاص حوزه نظارت بر بانک‌ها، زمینه و بستر و زیرساخت توسعه کشور را فراهم آورد. چرا که با بررسی‌های صورت گرفته، تا به حال درخصوص جایگاه نظارت بانکی و بانک مرکزی به‌عنوان تنها نهاد ناظر بر شبکه بانکی کشور و نقش و جایگاه آن در امر حکمرانی خوب و ترسیم الگوی حکمرانی نظارتی، پژوهشی انجام نشده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا الگویی مناسب و بومی در راستای اهداف نظام اقتصادی مقرر در سند چشم‌انداز کشور و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای حکمرانی نظارتی بانک مرکزی طراحی شود. همچنین، از جمله مزایای پژوهش حاضر، آرایه چارچوبی کاربردی برای حرکت در مسیر حکمرانی نظارتی خوب و در پرتو آن حکمرانی خوب دولت و تلفیق آن با رشد و توسعه اقتصادی کشور است که علاوه بر داشتن رویکردی بنیادی، رویکردی کاربردی نیز خواهد داشت. یادآور می‌شود، نتایج پژوهش حاضر به خط‌مشی‌گذاران، مدیران و سایر ذینفعان نظام مالی بالاخص صنعت بانکداری کشور کمک می‌کند تا با شناخت ادبیات و شیوه حکمرانی نظارتی و رویکردها و الگوهای هنجاری و نهادی مراجع نظارتی سایر کشورها، به درک مشترکی از مفهوم نظارت بانکی مؤثر و چارچوب نظارت احتیاطی از بعد هنجاری، نهادی و نظری دست یابند و در جهت بهبود و

کارآیی صنعت بانکی کشور و تحقق اهداف نظام اقتصادی و مستحکم نمودن اقتصاد ایران و پاسخ به کاستی‌ها و چالش‌های ایجاد شده توسط صنعت بانکداری پویا گام بردارند که تحت هدایت جهانی شدن، نوآوری‌های مالی و توسعه فناوری در حال رشد و توسعه است.

۱- مروری بر پژوهش‌های انجام شده

۱-۱- «سلسله یا پیوند حکمرانی» و حکمرانی نظارتی

در اقتصادهای امروزی، کیفیت حکمرانی در سطح هر سازمان، در اقتصاد کشور به یکی از مهمترین عوامل نقش‌آفرین در موفقیت، رشد و توسعه اقتصادی تبدیل شده است. اهمیت حکمرانی را در صورتی می‌توان به بهترین نحو تجزیه و تحلیل کرد که اقتصاد را به صورت مدلی متشکل از سه گروه از عوامل در نظر گرفت: بخش عمومی شامل مقررات‌گذاران، بخش مالی و نهادهای غیرمالی. مفهوم «سلسله یا پیوند حکمرانی» با این ایده همراه است که کیفیت حکمرانی در هر یک از این گروه‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر کیفیت حکمرانی در دیگر گروه‌ها و در کل بر موفقیت اقتصادی کشور می‌گذارد. هدف اصلی از این نظریه، تأکید بر نقش محوری مقررات‌گذاری و نظارت بخش مالی و به‌طور خاص جایگاه نظارت بانکی بر عملیات این سلسله یا پیوند است. همچنین مفهوم سلسله یا پیوند دلالت بر آن دارد که نظام حکمرانی تنها به اندازه اجزای منفرد آن قدرت دارد یعنی این‌که ضعیف‌ترین پیوند، تأثیری قوی بر نتایج حاصل برای اقتصاد به صورت کل می‌گذارد [۳]. در واقع، ناظران و نهادهای مالی در خلأ عمل نمی‌کنند بلکه از سایر نهادها (نهادهای سیاسی و اقتصادی) و کیفیت حاکمیت آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. به خصوص کیفیت حاکمیت بخش دولتی (رویه‌های حاکمیتی در بخش گسترده‌تر دولتی) بر حکمرانی نظارتی و حاکمیت بخش مالی تأثیر خواهد گذاشت. اثرگذاری بر مورد دوم یعنی حاکمیت بخش مالی ممکن است از طریق مراجع نظارتی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم صورت گیرد. می‌توان این تصویر کلی را با مفهوم «سلسله یا پیوند حکمرانی» در نظر گرفت و تأثیر رویه‌های حاکمیتی بر هر لایه از رویه‌ها و خروجی لایه بعدی را الگوسازی کرد (کادر شماره ۱ ملاحظه شود). تبیین «سلسله یا پیوند حکمرانی» با دیدگاه مکتب جدید اقتصاد نهادی^۱ مبنی بر این است که نهادها و حاکمیت

^۱ New Institutional Economics School

آنها تأثیر معناداری بر توسعه و ثبات اقتصادی دارد، سازگار است. امروزه شواهد تجربی در تأیید دیدگاه برتری نهادها روز به روز در حال افزایش است [۱۰].

کادر شماره ۱: سلسله یا پیوند حکمرانی

سلسله یا پیوند حکمرانی به تأثیر رویه‌های حاکمیتی هر سطح (دولت، ناظران، نهادهای مالی، بخش شرکتی) بر رویه‌های سطح بعدی گفته می‌شود. در این الگو از پایین به بالا سه مؤلفه به صورت زیر داریم:

- نهادهای مالی، بالاترین مسئولیت را برای ایجاد رویه‌های حاکمیت خوب در راستای کسب و حفظ اعتماد بازارها و مشتریان خود به عهده دارند. این نهادها به عنوان وام‌دهندگان و ذینفعان در بخش شرکتی علاقه خاصی به تضمین حاکمیت شرکتی مؤثر از طریق مشتریان خود دارند [۱۱] اما این نهادها، فقط در صورتی می‌توانند حاکمیت شرکتی مؤثر را بر نهادها اعمال کنند که خود رویه‌هایی سالم به کار گرفته باشند. حاکمیت بانکی خوب به تخصیص کارآمد منابع در اقتصاد و دستیابی به سلامت نظام مالی کمک می‌کند.
- نهادهای مقرراتی، نقشی کلیدی در ترویج و نظارت بر اجرای رویه‌های سالم در نهادهای واسطه مالی بازی می‌کنند. برای دستیابی به این هدف خود نهادهای مقرراتی باید رویه‌های حاکمیتی سالمی ایجاد و عملیاتی کنند. کانالی از اعتبار نهادی عبور می‌کند که حکمرانی نظارتی از طریق آن به حاکمیت خوب بخش مالی منتهی می‌شود. همواره اعمال رویه‌های حاکمیتی خوب به ایجاد اعتبار نهاد کمک می‌کند. نهادهای مقرراتی در صورت ناتوانی در اعمال اصول حاکمیتی خوب اعتبار و اقتدار اخلاقی خود برای ترویج رویه‌های خوب در نهادهای تحت نظارت را از دست خواهند داد. این امر ممکن است باعث ایجاد مخاطرات اخلاقی^۱ شده و به ترویج رویه‌های ناسالم در بازار کمک کند.
- حکمرانی نظارتی خوب نمی‌تواند بدون حاکمیت بخش دولتی خوب پایدار باشد. حاکمیت بخش دولتی خوب، از پیش شرط‌های حکمرانی نظارتی خوب است (و از آن طریق، یکی از پیش شرط‌های سلامت نظام مالی نیز به حساب می‌آید) که شامل عدم فساد، داشتن رویکرد سالم در تعیین سیاست‌های رقابتی، داشتن نظام حقوقی و قانونی اثربخش در مورد مالکیت دولتی می‌شود. مادامی که مداخله در فرایند تعیین مقررات (یا مداخله مستقیم در نظام مالی) برای سیاست‌مداران پرهزینه نباشد، حکمرانی نظارتی اثربخش نخواهد بود. [۱۰]

تجزیه و تحلیل گام به گام مسائل حکمرانی بانکی را می‌توان بدین صورت بیان کرد؛ ماهیت عملیات‌های بانکی (ناشفاف بودن و پیچیدگی) سبب کاهش کارآمدی برخی ساز و کارهای

^۱ Moral Hazard

حکمرانی استاندارد می‌شود. حضور ذینفعان (مختلف) و سهامداران سبب پیچیده‌تر شدن اختیار بانک‌ها و حکمرانی آنها می‌شود. دولت‌ها برای اطمینان از حکمرانی بانکی مؤثر به مقررات‌گذاری و نظارت اقدام کرده‌اند [۳]. بنابراین، مقررات‌گذاری و نظارت عناصر اصلی پاسخ به این سؤال هستند که «چه کسی بر نظارت، نظارت می‌کند؟» [۵]. شکل شماره ۱ این زنجیره را نشان می‌دهد. خطوط تو پر در میانه این نمودار تأثیر کیفیت بالایی را نشان می‌دهد که از حکمرانی خوبی در هر سطح انتظار می‌رود [۹]. این نمودار موقعیت تعیین‌کننده مقررات‌گذار بخش مالی و در نتیجه نقش حساس حکمرانی نظارتی نهاد ناظر را نشان می‌دهد [۳].

شکل شماره ۱: سلسله یا پیوند حکمرانی

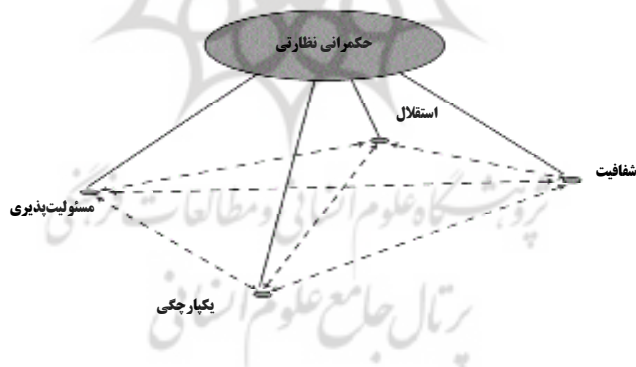


۲-۱- چارچوبی برای حکمرانی نظارتی خوب

ماهیت منحصر به فرد ناظران نهاد مالی (به‌خصوص ناظران بانکی و نیز ناظران سایر زیربخش‌ها) به رسمیت شناخته شده است. نظارت بر بخش بانکی، از منظر تأثیر آن بر رفاه عمومی نسبت به اکثر بخش‌های دیگر اقتصاد حیاتی‌تر است. پس لازم است نقش نظارتی از رویه‌های حاکمیتی با کیفیت بهره‌مند شود. اما حفظ یکپارچگی نقش نظارتی چندان آسان نیست. معمولاً نقش نظارتی به‌منظور تضمین اثربخشی‌اش بسیار نامشهود است و دقیقاً همین نامشهود بودن است که آن را در معرض مداخله، چه مداخله سیاستمداران و چه مداخله نهادهای مورد نظارت قرار می‌دهد [۱۰]. پیش‌نیاز حکمرانی نظارتی خوب داشتن زیربنای

نهادی محکم است [۳]. چهار مؤلفه تبیین کرده‌اند که عناصر زیربنایی حکمرانی نظارتی خوب را استقلال، پاسخگویی، شفافیت و یکپارچگی تشکیل می‌دهد. این چهار مؤلفه در سطوح مختلف با هم تعامل دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (شکل شماره ۲). استقلال و پاسخگویی، دو روی یک سکه هستند. شفافیت ابزاری برای محافظت از استقلال است. با اتخاذ اقدامات و تصمیمات شفاف، فرصت‌های مداخله کم می‌شوند. همچنین شفافیت ابزاری کلیدی برای پاسخگویی است. شفافیت همچنین به ایجاد و حفظ یکپارچگی کمک می‌کند، به این معنی که با رویکردهای مطرح شده از کارکنان نهاد بهتر حمایت می‌کنند. استقلال و یکپارچگی همدیگر را تقویت می‌کنند. حمایت حقوقی از کارکنان نهاد در کنار وجود مقررات روشن برای نصب و عزل رؤسای نهاد هم از استقلال و هم یکپارچگی آنها پشتیبانی می‌کند. در نهایت، زوج پاسخگویی- یکپارچگی نیز یکدیگر را تقویت می‌کنند. رؤسا و کارکنان به‌خاطر ضرورت پاسخگویی، دلایل بیشتری برای حفظ یکپارچگی خود خواهد داشت [۵].

شکل شماره ۲: چهار رکن حکمرانی نظارتی



۱-۳- چگونگی تحقق حکمرانی نظارتی خوب؛ اصول حاکمیت شرکتی برای نهاد ناظر بر بانک‌ها در یک دهه و نیم گذشته، شمار زیادی از کشورها، سازمان‌های نظارتی خود را با توجه به درس‌هایی که از بحران‌های مالی جهانی گرفتند بازسازی کرده و توجه به ویژگی‌ها و اصول حکمرانی را آغاز کرده‌اند. عوامل مختلفی در این بحران‌ها نقش داشتند که از این

میان، عموماً به عدم تعادل‌های اقتصاد کلان، ضعف ساختار مالی و دولتی نهادهای تحت نظارت و حتی مقررات مالی (که به‌جای تمرکز بر مدیریت ریسک بر اجرای استانداردهای حسابداری تمرکز داشتند) اشاره می‌شود. عنصر مشترکی که در بیشتر این موارد به چشم می‌خورد اقدام نامناسب - یا فقدان چنین اقدامی - از جانب برخی سازمان‌های نظارتی است که نتوانستند تدابیر صحیحی را برای جلوگیری از این بحران‌ها اتخاذ کنند [۲]. از یک طرف، ساختارهای قدیمی قانونگذاری در این میان نقش داشتند که عمدتاً به‌جای تمرکز بر مدیریت و کاهش ریسک، بر اجرای استانداردهای احتیاطی تمرکز داشتند که این امر موجب محدود شدن تلاش‌های مرجع نظارتی می‌شد. از طرف دیگر، ضعف موقعیت مالی برخی واحدهای نظارتی مانع از داشتن کارکنان مورد نیاز برای انجام نظارت آن بخش می‌گردید. همچنین، با در نظر گرفتن توصیه‌های کمیته بال پیرامون نظارت بانکی و همچنین توصیه‌های سایر مراجع هدایت‌کننده در عرصه نظارت مالی، مدل‌های سنجش و ارزیابی برای تحقق اهداف مرجع نظارتی وجود ندارد [۱]. بر همین اساس، حکمرانی نظارتی بالاخص برای بخش بانکی با عنایت به نقش آن در بروز بحران‌های رخ داده در جهان و همچنین اهمیت بانک‌ها به‌عنوان منبع حکمرانی در سطح ملی و فراملی مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفت و مراجع نظارتی، چگونگی تحقق حکمرانی نظارتی خوب را مورد بررسی و پایش قرار دادند. به‌همین جهت لازم است که مرجع نظارتی دارای ساختار حاکمیت شرکتی منسجم و مناسبی باشد [۱۲]. در همین راستا، انجمن ناظران بانک‌های قاره آمریکا^۱، گروه کاری حاکمیت شرکتی برای مراجع نظارت بانکی را تأسیس نمود. هدف از این اقدام، کمک به پیشگیری یا کاهش رخداد بحران مالی از طریق مبارزه با علل شناخته‌شده بحران و بهبود کیفیت نظارت و در راستای اهداف خود برای فراهم کردن مجمعی به‌منظور مبادله تجارب، دانش، ایده‌ها و شیوه‌های نظارت و به‌طور کلی ارایه اصول حاکمیت شرکتی برای نهاد ناظر بر بانک‌ها به‌منظور حکمرانی نظارتی خوب آن بود. این گروه کاری، توصیه‌ها و رهنمودهای خود را در سال ۲۰۱۵، تهیه و منتشر نموده است [۱۳] سند یاد شده، مشتمل بر پنج بخش است، در بخش اول به تجزیه و تحلیل اهداف و ساختار

¹ Association of Supervisors of Banks of the Americas (ASBA)

حاکمیت شرکتی مراجع نظارتی پرداخته شده است. در بخش دوم ترکیب نهادی حاکم بر مرجع نظارتی مورد بررسی قرار گرفته است، همچنین در بخش سوم، اهمیت شفافیت و پاسخگویی در نهادهای مذکور تجزیه و تحلیل شده است. در بخش چهارم، به اهمیت استقلال مراجع نظارتی پرداخته و نهایتاً، در بخش پنجم، حمایت قانونی از ناظران بانکی ارایه شده است. توصیه‌های اساسی این انجمن، عبارتند از:

- هدف اصلی مراجع نظارتی باید ارتقای ثبات نظام مالی و اعتماد مشتریان مالی به آن باشد. ضمن این که اختیارات متفاوت واحدهای نظارتی منطقه نیز باید لحاظ شود.
 - ساختار مرجع نظارتی باید اصلاح شود تا بتواند به اهداف خود دست یابد و مسئولیت‌های هر بخش مرجع به روشنی تعریف شود.
 - ساز و کار انتخاب اعضای نهادهای حاکمیتی باید به استقلال آن کمک کنند و اعضای انتخاب شوند که دارای اقتدار تخصصی مورد نیاز هر منصب، حسن شهرت و عدم تضاد منافع باشند.
 - مرجع نظارتی باید فرآیند روشنی را برای مسئولیت‌پذیری، پیرامون اهدافی که دنبال می‌کند، کارکردها، راهبردها و عملکرد خود طراحی کرده و شفافیت داشته باشد و اطلاعات مناسب را به‌موقع برای تمام ذینفعان فراهم آورد.
 - وظایف مرجع نظارتی نباید تحت تأثیر نهادهای عمومی، منافع بخش دولتی، منافع بخش تحت نظارت، یا خود کاربران قرار گیرد. طبق قانون باید ناظران، مدیران و کارکنان در برابر پیگیری قانونی به‌منظور اقدامات اتخاذ شده یا مجازات‌های صورت گرفته با حسن نیت در حین انجام وظیفه حمایت شوند.
- انجمن ناظران بانک‌های قاره آمریکا، این موضوع را برای فرآیند نظارت و قانونگذاری بانکی بسیار حائز اهمیت می‌داند و همسو با انتشار بهترین شیوه‌ها انتظار دارد که سند حاضر مرجعی مناسب برای آن دسته از مراجع نظارتی باشد که خواهان اتخاذ تدابیری برای بهبود حکمرانی نظارتی خود باشند. در ادامه شرحی موجز از اصول حاکمیت شرکتی برای نهاد ناظر برگرفته از سند صدرالاشاره ایفاد می‌شود.

۱-۴-۱- مروری بر اصول حاکمیت شرکتی برای نهاد ناظر بر بانکها

۱-۴-۱- هدف و ساختار حاکمیت

هدف از به کارگیری تدابیر حاکمیت شرکتی این است که عناصری از ساختار سازمانی و فرآیندها و شیوه‌هایی که مانع تحقق اهداف آن می‌شوند شناسایی، سنجش، پایش و مدیریت شوند. بنابراین، اولین گام منطقی در شناسایی این روند این است که اهداف مرجع، شناسایی و این امر ارزیابی شود که آیا با ساختار حاکمیتی مورد اجرا می‌توان آن‌ها را تحقق بخشید. اهداف مرجع نظارتی در زمینه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. متداول‌ترین آن‌ها عبارتند از ارتقای ثبات مالی، حفاظت از مشتری و کارآمدتر کردن واسطه‌گری مالی است. انجمن بر این باور است که تحقق اهداف ثانوی باید نتیجه تلاش‌هایی باشد که بر تحقق هدف اصلی تأثیر منفی نگذارد. اهداف ثانوی ممکن است مشتمل بر ترویج بهترین شیوه‌های مدیریت ریسک در نهادها و تقویت رقابت و نوآوری در نظام مالی باشد. ساختار حاکمیتی مرجع نظارتی عامل مهمی در تحقق اهداف آن به‌شمار می‌رود. این ساختار بر اختیار کارکنان مرجع و منابع انسانی آن تأثیر می‌گذارد. از طرفی، اتخاذ ساختار حاکمیتی معین برای مرجع نباید هدف نهایی آن تلقی شود بلکه وسیله‌ای برای تحقق اهداف کارکرد نظارتی به کارآمدترین وجه ممکن است. بنابراین مناسب‌بودن ساختار حاکمیتی خاص را باید بر حسب نقش آن در تصمیم‌گیری به‌موقع و مستقل و کارآمدی فرآیندهای مختلف کارکرد نظارتی و نیز شیوه حل مسائل در مرجع ارزیابی کرد.

۱-۴-۲- ترکیب نهاد حاکمیتی

ترکیب بدنه حاکمیتی مرجع نظارت بانکی امری است که بیشترین اهمیت را دارد. سلامت رهبری و فرهنگ سازمانی مرجع نظارتی و نیز اجرای صحیح تمام وظایف ضروری برای تحقق اهداف نظارتی به مراجع تصمیم‌گیری انتخاب شده بستگی دارد. انتخاب صحیح مراجع تصمیم‌گیری از عناصر مهم حاکمیت شرکتی خوب در مرجع نظارتی است. عملکرد خوب هیئت مدیره عمدتاً، به داشتن اعضای توانمندی بستگی دارد که بتوانند کمک‌های ارزشمندی ارائه دهند و به‌صورت مناسبی به مسئولیت‌های خود عمل نمایند. بدنه حاکمیتی مرجع نظارتی باید از افرادی تشکیل شود که تجربه گسترده‌ای در زمینه موضوعات نظارتی

و قانون‌گذاری داشته باشند و شهرت آنها در این زمینه خدشه‌ناپذیر باشد. بنابراین باید سازوکارهای شفاف و مؤثری برای انتصاب تصمیم‌گیرندگان برقرار شود. این سازوکارها باید شامل معیارهای فوق باشند و به صورت روشن در قوانین و مقررات مشخص شوند. اما ترتیبات ساختاری مختلف در نهادهای نظارتی مبنی بر در قلمرو بانک مرکزی و خارج از آن اشاره شده است. وجود ترتیبات ساختاری مختلف در نهادهای نظارتی اعضای انجمن، نشان‌دهنده این است که بهترین مدل ساختاری برای نظارت وجود ندارد و مقتضی شرایط هر کشور مدل مناسب پیشنهاد می‌شود. چارچوب نظارتی به کار گرفته شده در هر کشوری، بازتابی از ویژگی‌های منحصر به فرد آن کشور از جمله تجارب مالی، قانونی، بانکی و حقوقی و ترتیبات نهادی آن است. موکداً، مناسب بودن ساختار خاص به اوضاع و احوال کشور در زمان خاص بستگی دارد. مطلوبیت حفظ نظارت در درون یا بیرون از قلمرو بانک مرکزی از دیرباز به خاطر موضوعات و سیاست‌های دخیل در آن مورد بحث بوده است بدون آن که اجماعی در مورد آن صورت گرفته باشد و در پژوهش حاضر، مجال فرصت بر بررسی آن نمی‌باشد. ولیکن به طور کلی می‌توان گفت که هر دو ساختار نظارت بانکی دارای درجه متفاوتی از کنترل و دسترسی متفاوت به منابع و استقلال است که این امر می‌تواند با توجه به نهاد ناظر در هر کشوری تفاوت داشته باشد. ساختار انتخاب شده توسط هر کشور به اوضاع و احوال خاص و نیز به ساختار قانونی و نهادی آن بستگی دارد.

۱-۴-۳- مسئولیت‌پذیری و شفافیت

مراجع نظارت بانکی در مسئولیت ارتقای اعتماد عمومی به نظام بانکی مسئول هستند و علاوه بر این مسئولیت ارتقای اعتماد به مراجع نظارتی کشور را بر عهده دارند. بنابراین برای مراجع نظارت بانکی و نیز به همین اندازه برای تمام اعضای شبکه حفظ ایمنی و سلامت مالی کشور مهم است که با اصول حاکمیت شرکتی هدایت شوند و فعالیت نمایند. وجود چارچوب مرجع حاکمیتی سالم در ساختار مراجع نظارتی که دارای ساز و کارهای قوی پاسخگویی و سطوح مناسب شفافیت می‌باشند به ارتقای ثبات بخش مالی و تقویت اعتبار و مشروعیت ناظر میان بانک‌ها، سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران، پژوهشگران، دولت و در کل میان مردم کمک می‌نماید که این مهم مورد تأکید کمیته بال نیز می‌باشد. (در اصل ۱ در

سند «اصول اساسی» و اصل ۱-۲ در «روش‌شناسی» مرتبط بر اهمیت شفافیت و پاسخگویی تأکید شده است [۱۴].

• پاسخگویی

درک این نکته خیلی مهم است که پاسخگویی با کنترل مترادف نیست و این که استقلال هرگز به صورت مطلق وجود ندارد. مرجع نظارتی باید و می‌تواند همزمان برای اقدامات خود مستقل و پاسخگو باشد- این دو مفهوم با هم ناسازگار نیستند. مرجع نظارتی باید تلاش کند که از نظر مالی و عملیاتی مستقل باشد تا بتواند مسئولیت‌های خود را به نحو مؤثری بدون دخالت انجام دهد. پاسخگو بودن به معنای از دست رفتن استقلال نیست. در واقع، رضایت مرجع نظارت بانکی به نظام سالم پاسخگویی سبب مشروعیت استقلال می‌شود. اعلان دوره‌ای اهداف، دستاوردها و فعالیت‌ها به ذینفعان این پیام را به مردم می‌دهد که نظام ارزیابی و پایش وجود دارد و ناظر در عین مستقل بودن بابت اقدامات خود پاسخگوست. این خطر وجود دارد که بدون چارچوب مناسب پاسخگویی، مرجع نظارت بانکی می‌تواند به نهادی بدون نظارت تبدیل شود که نمی‌تواند در راستای منافع عمومی، خدمت نماید. چارچوب مناسب پاسخگویی به مرجع نظارت بانکی فرصت می‌دهد تا به صورت منظم با ذینفعان خود ارتباط داشته باشد. مرجع نظارت بانکی در چارچوب پاسخگویی می‌تواند مردم را از نقش خود در نظام بانکی کشور و اقدامات انجام داده برای انجام مأموریت خود آگاه سازد. مرجع نظارت بانکی غالباً ساز و کار، بازخوردی را برای ذینفعان خود فراهم می‌کند که ذینفعان از طریق آن می‌توانند سؤالات و نگرانی‌های خود را به اطلاع مرجع برسانند. مرجع نظارت بانکی باید به خاطر داشته باشد که بسیاری از اطلاعات منتشر شده، آنقدر تخصصی هستند که گروه‌های خاصی از مردم نمی‌توانند به آسانی آن را درک کنند. هر چند تمام اطلاعات مرتبط باید منتشر شود، ناظر باید تلاش کند تا مطمئن شود که اطلاعات ارائه شده برای تمام ذینفعان به گونه‌ای است که می‌توانند آن را درک کنند و نیازهای خود را از طریق آن برآورده سازند. مراجع نظارت بانکی با پشتیبانی فلسفه شفافیت شرکتی مؤثر و از طریق فراهم کردن اطلاعاتی در مورد اهداف، فعالیت‌ها، حاکمیت، ترتیبات، راهبردها و عملکرد خود می‌توانند تعهد اخلاقی یا اجتماعی خود را به پاسخگویی به تمام ذینفعان به نمایش بگذارند. نظام پاسخگویی در صورتی که

به صورت مناسبی ساختار بندی شده باشد می تواند نقشی حیاتی در تقویت مشروعیت و اعتبار مرجع نظارت بانکی ایفا کند و عملکرد و حاکمیت آن را بهبود ببخشد.

• شفافیت

شایان ذکر است که شفافیت ارتباط تنگاتنگی با پاسخگویی دارد و این که شفافیت عنصر مهمی در ساختار حاکمیت مؤثر به شمار می رود. استقلال، شفافیت، پاسخگویی و یکپارچگی ستون های اساسی اجرای چارچوب حاکمیتی مناسب هستند. استقلال به خودی خود هدف نیست بلکه بخشی از ترتیبات حاکمیت بهینه است. به همین نحو، شفافیت نیز به اشکال متعدد بخشی اساسی از این ترتیبات است که در صورت اقدام صحیح می تواند انضباط بازار را تقویت کند، اعتماد به مرجع نظارت بانکی را افزایش دهد و به ثبات بخش مالی بیفزاید. بدیهی است که مراجع نظارت بانکی باید محتاطانه توازن میان منافع عمومی در شفافیت اقدامات مرجع نظارت بانکی و نیاز آن مرجع به حفظ محرمانگی بخش های خاصی از اقدامات آن برقرار کند. اعتماد به توانایی مرجع نظارت بانکی برای تضمین محرمانگی نوع اطلاعات می تواند توانایی آن را برای کسب و اشتراک گذاری اطلاعات مرتبط نظارتی با ناظران دیگر بخش مالی و کسب اطلاعات مهم از نهادهای مالی تسهیل کند. در گزارش کمیته بال در مورد نظارت بانکی برای ارتقای شفافیت بانکی (۱۹۹۸) بر اهمیت نقش شفافیت و افشا در بخش بانکی تأکید شده است. این سند راهنمایی کلی را برای ناظران بانکی و قانونگذاران ارائه و آنها را تشویق می کند تا نظام های بانکی شفاف را ایجاد کنند. این نظام ها با فراهم کردن ابزارهای لازم برای تشویق شیوه های بانکداری ایمن و سالم به حفظ ثبات بلندمدت یکایک نهادهای سیستم بانکی کمک می کند. مراجع نظارت بانکی علاوه بر تشویق بانک ها به افشای عمومی اطلاعات در خصوص موقعیت مالی، شیوه های مدیریت ریسک و ترتیبات حاکمیتی می توانند با افشای اطلاعات در مورد بانک ها و نظام بانکداری بر مبنای منابع اطلاعاتی و تحقیقاتی خود موجب تقویت انضباط بازار و آگاهی عمومی شوند. این اطلاعات را می توان از طریق کانال ها و شیوه های مختلفی انتقال داد. این امر به ذینفعان امکان می دهد تا بهتر بتوانند وضعیت نظام بانکی را در کشوری معین درک کنند که این نیز موجب افزایش اعتماد به نظام بانکی و ثبات آن می شود.

دسترسی به این نوع اطلاعات برای سایر ناظران بخشی نظام مالی، سرمایه‌گذاران، محققان، دانشگاهیان و افراد علاقمند به کارکرد صحیح نظام بانکی کشور مفید واقع می‌شود.

۱-۴-۴- استقلال

منظور از استقلال در مرجع نظارتی آن است که اهداف، ساختار، سازمان و عملیات آن عاری از مداخله خارجی بی‌مورد باشد. استقلال در مرجع نظارتی، عنصری اساسی برای انطباق مناسب با فعالیت‌های نظارتی است زیرا این امر کمک می‌کند تا آن مرجع اهداف خود را بدون مداخله یا انحراف دنبال کند.

- اهمیت استقلال در مراجع نظارت بانکی: استقلال مراجع نظارتی به میزان قابل توجهی در سطح بین‌المللی اهمیت یافته است. نتایج خوب حاصل از استقلال بانک مرکزی و اتخاذ تدابیری برای افزایش استقلال آنها موجب افزایش توجه به استقلال مراجع نظارتی شده است.

عموماً مرجع نظارت بانکی در صورتی مستقل در نظر گرفته می‌شود که: دولت و بخش (مالی) خارج از ضوابط قانونی در کار آن مداخله نکنند؛ ناظر به منظور کارکرد مناسب نظام بانکی، اختیار قانون‌گذاری بر آن را داشته باشد؛ ناظر به‌طور کامل و بدون مداخله در دامنه صلاحیت خود از اختیارات و کارکردهای سپرده شده استفاده کند و در صورت لزوم از اختیار خود برای مجازات نهادها استفاده نماید؛ مرجع نظارت بانکی برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های خود باید از استقلال بودجه‌ای بهره‌مند باشد. در واقع، استقلال در مرجع نظارتی به تحقق اهداف آن کمک می‌کند. نهایتاً شایان ذکر است که استقلال مرجع نظارت بانکی به خودی خود امری مطلوب است و اهمیت استقلال مرجع نظارتی در اصول بال برای نظارت بانکی مؤثر مورد اذعان قرار گرفته است. در این اصول بیان شده است که هر مرجع تصمیم‌گیری که در نظارت بانکی شرکت می‌کند «باید دارای استقلال عملیاتی، فرآیندهای شفاف، حاکمیت سالم باشد و نسبت به اقدامات و عملکرد خود پاسخگو باشد.»

- استقلال و خودمختاری: مفهوم استقلال با مفهوم خودمختاری تفاوت دارد. استقلال به محیط نهادی، بودجه‌ای، مشروعیت و اعتبار اشاره دارد که قدرت و اعتبار مرجع بانکی را تضمین می‌کند. از طرف دیگر، خودمختاری به وضعیت نهادی اشاره دارد که درخصوص

سلسله مراتب آن نسبت به دیگر شاخه‌های عمومی، به‌ویژه شاخه اجرایی و کنگره یا مجلس، به بدنه نظارت بانکی اعطا می‌شود. در عمل، الزامی نیست که استقلال ناظر، با خودگردانی آن با همدیگر وجود داشته باشد. از این‌رو باید تدابیر مناسبی در این نهادها برای حفظ و تقویت استقلال صورت گیرد. از منظر مفهوم استقلال، اجرای تکالیف سپرده شده به مرجع نظارتی باید تنها معطوف به اهدافی باشد که برای آن ایجاد شده است، بدون آن‌که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر نابجای مراجع عمومی، منافع سیاسی، منافع بخش تحت نظارت یا کاربران نظام مالی قرار بگیرد. در این صورت است که اعتبار ناظر حفظ خواهد شد. اصول استقلال بر مبنای چهار عنصر اساسی مبنی بر استقلال نهادی، استقلال قانونگذاری، استقلال نظارتی و استقلال عملیاتی و بودجه‌ای می‌باشد. همچنین، عناصر دیگری باید در نظر گرفته شوند که غیرمستقیم بر اعتبار ناظر تأثیر می‌گذارند.

استقلال نهادی: وضعیت مرجع نظارت بانکی است که در آن اختیار، ساختار حاکمیتی و سیاست‌گذاری منابع انسانی به مرجع یا کارگزار خارجی واگذار نشده باشد و در اختیار مرجع ناظر باشد.

• استقلال قانون‌گذاری: وضعیتی است که در آن مرجع نظارت بانکی دارای قدرت لازم و کافی برای قانون‌گذاری احتیاطی است به‌نحوی که کارکرد قانون‌گذاری عاری از نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم بر منافع نظارت بانکی باشد.

• استقلال نظارتی: وضعیتی است که در آن مرجع ناظر بانکی اختیار لازم و کافی را برای طراحی، برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و انجام فعالیت‌های نظارتی خود داراست به‌نحوی که عاری از نفوذ مستقیم یا غیرمستقیم بر اهداف نظارت بانکی باشد.

• استقلال عملیاتی و بودجه‌ای: وضعیتی است که در آن مرجع نظارت بانکی قدرت لازم و کافی را برای طراحی، تدوین، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌گذاری نهادی از طریق بودجه مستقل ضمانت شده دارا باشد.

نهایتاً این که استقلال مرجع نظارت بانکی ضرورتاً مستلزم سیستم صحیح شفافیت و پاسخگویی است. بدون چنین سیستمی، استقلال مؤثری وجود ندارد.

۱-۴-۵- حمایت قانونی از ناظر

هر نوع حرفه‌ای مستلزم شرایط حداقلی از امنیت قانونی و عدم فشارهای نامناسب در اجرای تکالیف محوله است. این امر در مورد کارکنان مرجع نظارتی نیز برقرار است. عملکرد مناسب مرجع نظارتی مستلزم حمایت قانونی صحیح در برابر اقدام قانونی برای فعالیت‌هایی است که با عنوان تکالیف قانونی و نظارتی و با حسن نیت انجام می‌شوند. لازم است مراجع نظارتی دارای حمایت قانونی مناسبی باشد که بدون ترس از مجازات‌های اجتماعی یا جنایی از اشخاص ثالث یا از نهادهای تحت نظارت امکان انجام وظایف خود را داشته باشند. باید توجه داشت که حمایت قانونی برای ناظر در اصل اول اصول اساسی کمیته بال برای نظارت بانکی مؤثر بیان شده است. در روش‌شناس اصول اساسی معیارهایی در این خصوص به این شرح ارائه شده است:

- ۱- به موجب قانون، مرجع نظارتی و کارکنان آن در صورت انجام وظایف خود با حسن نیت از پیگیری قانونی برای اقدامات انجام شده و یا مأموریت‌های خود مصونند.
- ۲- مرجع نظارتی و کارکنان آن در خصوص هزینه‌های دفاع از اقدامات خود و یا حذفیات انجام شده در صورت انجام وظایف خود با حسن نیت محافظت می‌شوند [۱۳].

۲- روش تحقیق

در پژوهش حاضر، به طراحی الگوی حکمرانی نظارتی اثربخش، کارا و مؤثر بر شبکه بانکی پرداخته شد. از جمله مزایای پژوهش حاضر، آرایه چارچوبی کاربردی برای حرکت در مسیر حکمرانی مقاوم نظارت بانکی و تحقق اهداف حکمرانی خوب و تلفیق آن با رشد و توسعه و رونق اقتصادی کشور عزیزمان و ایجاد محیط کسب و کار مساعد بانکی بالاخص در تعاملات بین‌المللی می‌باشد که علاوه بر داشتن رویکردی بنیادی، رویکردی کاربردی نیز دارد. در کنار هدف اصلی پژوهش حاضر، اهداف ویژه ای به شرح ذیل دنبال می‌شود:

- شناسایی ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها، روابط میان مؤلفه‌ها و منطق انتخاب آنها و الزامات حکمرانی نظارتی؛

- تعیین رابطه دقیق حکمرانی نظارتی بانک مرکزی بر ایمنی و سلامت نظام بانکی از طریق احصای شرایط این بانک در چهار محور استقلال، پاسخگویی، شفافیت و انسجام و جایگاه آن در سلسله و یا پیوند حکمرانی؛
- طراحی مدل براساس نتایج پژوهش برای حکمرانی نظارتی اثربخش، کارا و مؤثر بر شبکه بانکی کشور.
- سؤال اصلی پژوهش

از آنجایی که با بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون پژوهشی در خصوص حکمرانی نظارتی در نظام اداری و مالی کشور و به‌طور خاص حکمرانی نظارتی بانک مرکزی صورت نگرفته، همچنین فقدان مدل بومی برای حکمرانی نظارتی به‌گونه‌ای که اهداف نظام اقتصادی تعریف شده در اسناد بالادستی و نظرات و معنویات مقام معظم رهبری پیرامون مقاوم‌سازی اقتصاد ملی و تمهیدات و الزامات بانکی بین‌المللی را برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور و متقابلاً حضور بانک‌های کشورمان در عرصه بین‌المللی را فراهم آورد و از این حیث نیز تا به حال در خصوص جایگاه نظارت بانکی و بانک مرکزی به‌عنوان تنها نهاد ناظر بر شبکه بانکی کشور و نقش و جایگاه آن در امر حکمرانی خوب پژوهشی انجام نشده است و کمبود مبانی نظری پیرامون حکمرانی نظارتی و همچنین نظارت بانکی، لذا این تحقیق فرضیه نداشته و به‌جای آن بر سؤالات تحقیق متمرکز شد. سؤالات به‌شرح ذیل بود:

- الگوی بهینه حکمرانی نظارتی نظارتی اثربخش، کارا و مؤثر بر شبکه بانکی کشور چیست؟
- سؤالات فرعی
- ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی نظارتی نظارت بانکی مطابق با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان کدامند؟
 - روابط بین مؤلفه‌ها، ارکان و شاخص‌های الگوی مزبور چیست؟
 - منطق انتخاب این مؤلفه‌ها و روابط بین آنها چیست؟
 - چگونه می‌توان الگوی حکمرانی نظارتی بانکی را به‌طور کامل پیاده نمود تا اهداف مقرر در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و الزامات بانکی بین‌المللی را محقق سازد؟
 - الزامات به‌کارگیری و پیاده‌سازی کارآمد و اثربخش الگوی مزبور چیست؟

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی است که مبتنی بر راهبرد داده بنیان می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، خبرگان و متخصصان آشنا به ادبیات و نظارت بانکی بوده که برای نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌های عمیق از روش نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه به روش نیمه ساختار یافته بوده و روش گردآوری داده‌ها به این شرح است که گروه اولیه برای مصاحبه انتخاب می‌شوند و سپس گروه‌های بعدی برای مصاحبه توسط همین گروه معرفی می‌شوند و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش به اشباع نظری و کفایت برسد. در مجموع با ۲۱ نفر از خبرگان عرصه بانکداری و نظارت بانکی کشور مصاحبه انجام شد. برمبنای مباحث مطرح شده، نوع تحقیق حاضر به شرح جدول شماره ۱ است.

جدول شماره ۱: نوع تحقیق حاضر

مبنای طبقه بندی	فاز کیفی
هدف تحقیق	اکتشافی
نتیجه تحقیق	بنیادی
داده‌های تحقیق	کیفی

برای سنجش پایایی پژوهش، از روش پایایی باز آزمون استفاده شده است. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آنها در فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار می‌رود. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط محقق در دو فاصله زمانی بدین ترتیب است:

$$\text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

در حین انجام این تحقیق و در جریان کدگذاری مصاحبه‌ها، چند مصاحبه به‌عنوان نمونه در یک فاصله ۳۰ روز مجدد کدگذاری شد. با مراجعه به کدهای اولیه با مراجعه به کدهی اولیه استخراج شده از آن مصاحبه‌ها و کدهای مجدد آنها جدول شماره ۲ به‌دست آمد.

جدول شماره ۲: میزان درصد پایایی از روش کدگذاری مجدد

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	P3	۳۲	۱۴	۸	٪۸۷
۲	P4	۱۹	۹	۴	٪۹۴
۳	P12	۲۳	۱۰	۴	٪۸۶
۴	P14	۱۶	۷	۳	٪۸۷
	کل	۹۰	۴۰	۱۹	٪۸۸

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ محاسبه می‌شود تعداد کل کدها در فاصله زمانی ۳۰ روزه برابر ۹۰ و تعداد توافقات بین کدها برابر ۴۱ و تعداد کل عدم توافقات برابر ۱۹ است. با این وصف، پایایی باز آزمون برای مصاحبه‌های این تحقیق برابر با ۸۸ درصد است که با توجه به این که میزان این پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. [۱۶] در پژوهش حاضر سه مورد از رونوشت مصاحبه‌ها به‌همراه نحوه کدگذار و مدل برخاسته در اختیار مصاحبه شونده‌گان قرار گرفت که با اعمال نظرات و تأیید مطالب برداشت شده از مصاحبه‌های آنها کلیت مدل و روش رسیدن به آن را تأیید کردند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، روش کدگذاری نظری (برگرفته از روش نظریه‌پردازی داده-بنیان) است. به‌عبارتی، داده‌های کیفی نیز با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار Atlasti و ملزومات انجام هر یک از این مراحل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت به شناسایی عوامل کلیدی حکمرانی نظارتی مقاوم مبتنی بر مدل نائل شد.

۳- الگوی پژوهش

در پژوهش حاضر، با تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته با خبرگان و صاحب نظران سعی شد تا الگوی حکمرانی نظارتی کارا، اثربخش و مؤثر بر شبکه بانکی کشور ارایه شود. روند تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در انتهای مراحل سه‌گانه کدگذاری، مدل نهایی تحقیق ارایه شد. شکل شماره ۳ شمایی از الگوی پارادایمی و شکل شماره ۴ الگوی داده بنیاد و مشروح الگوی پارادایمی حکمرانی نظارتی مقاوم شبکه بانکی می‌باشد.

۴- نتایج و بحث

هدف از تحقیق حاضر، طراحی الگوی حکمرانی نظارتی کارا، اثربخش و مؤثر بر شبکه بانکی مطابق با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان بود. داده‌های پژوهش از طریق روش کیفی مبتنی بر راهبرد داده بنیاد از طریق کدگذاری اولیه، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شدند و الگوی پارادایمی به شرح شکل شماره ۳ به دست آمد و سپس الگو و مدل مشروح و نهایی تحقیق مبتنی بر شکل شماره ۴ ارایه شد. در ادامه به شرح مدل نهایی به دست آمده در راستای پاسخ به سؤالات تحقیق پرداخته می‌شود.

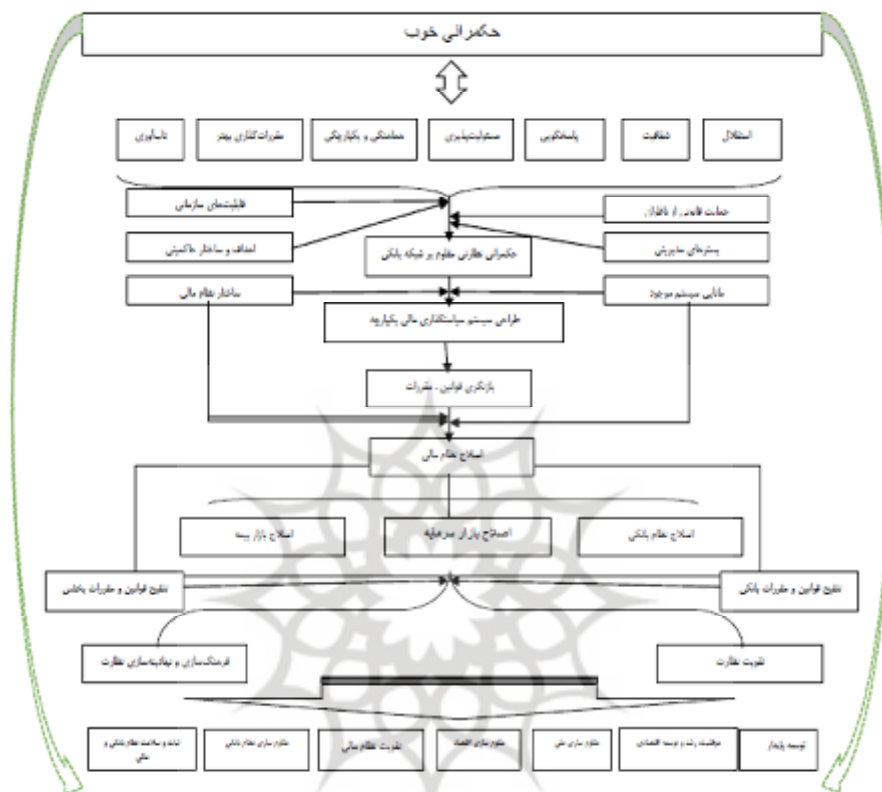
۴-۱- مروری بر مدل داده بنیاد الگوی حکمرانی نظارتی مقاوم بر شبکه بانکی کشور

با مروری بر مدل و شرح الگوی برآمده از تحقیق حاضر در حقیقت پاسخ به سؤالات تحقیق داده می‌شود. بر همین اساس، در وصف مدل یاد شده با عنایت به شکل‌های ۳ و ۴ نتیجه‌گیری می‌شود که حکمرانی نهاد ناظر اهمیت بالایی دارد؛

شکل شماره ۳: الگوی پارادایمی حکمرانی نظارتی مقاوم بر شبکه بانکی



شکل شماره ۴: مدل داده بنیاد الگوی حکمرانی نظارتی مقاوم بر شبکه بانکی



چرا که نهادهای نظارتی نقشی کلیدی در نظارت کارا و مؤثر بر اجرای رویه‌های سالم در نهادهای واسطه مالی بازی می‌کنند. برای دستیابی به این هدف، نهادهای نظارتی خود نیز باید رویه‌های حاکمیتی سالمی ایجاد و اعمال نمایند به عبارتی توجه به اصول حاکمیت شرکتی نهاد ناظر که خود الزامی بر حکمرانی نظارتی خوب نهاد ناظر محسوب می‌شود. از منظر هارم (۲۰۰۷) [۱۸] کانالی که حکمرانی نظارتی از طریق آن به حاکمیت خوب بخش مالی منتهی می‌شود از اعتبار نهاد ناظر تأسی می‌گیرد. دولت‌ها برای اطمینان از حکمرانی بانکی مؤثر به مقررات‌گذاری و نظارت اقدام کرده‌اند. بنابراین، مقررات‌گذاری و نظارت عناصر

اصلی پاسخ به این سؤال هستند که چه کسی بر نظارت، نظارت می‌کند. از این جا، می‌توان نتیجه گرفت که همان‌گونه که هالمی (۲۰۰۰) [۱۹] بیان کرده است، نقش اصلی مقررات‌گذاری و نظارت تقویت حکمرانی نهادهای مالی به‌ویژه از طریق پرداختن به مسائل حکمرانی ویژه آن‌هاست و این کار را بدون ساز و کارهای حکمرانی استاندارد نمی‌توان به‌صورت مؤثری انجام داد. بنابراین سازمان‌های مقررات‌گذار و نظارتی که برای پرداختن به نقاط ضعف چارچوب‌های حکمرانی بانکی وارد عرصه می‌شوند باید در وهله اول، «مقررات‌گذاران حکمرانی» باشند یعنی مقررات‌گذارانی که منطق وجودی خود را اصولاً از اصلاح کاستی‌ها در حکمرانی بانک‌ها گرفته باشند. در واقع رویه‌های حاکمیتی نظارت باید مبتنی بر چارچوبی استاندارد، منعطف و پویا باشد. به‌عبارتی رویکردها و خط‌مشی‌های نظارتی باید از انعطاف و تاب‌آوری لازم در مقابل تکان‌ها و تغییرات محیطی برخوردار باشد و در تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های نظارتی تدبیر و آینده‌نگری مورد تأکید بوده و ضروری می‌نماید که از استحکام و توان آسیب‌پذیری لازم با تنظیم مقرراتی سختگیرانه و در عین حال منعطف همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و تنظیم‌کنندگان مقررات در نهاد ناظر بر بانک‌ها باشد که همان مقررات‌گذاری بهتر است. لذا به‌منظور حکمرانی خوب و مقاوم‌سازی ملی، حایز اهمیت می‌نماید که حکمرانی نظارتی بانک مرکزی در راستای سیاست‌های کلی کشور و برنامه‌های نهادی و هنجاری دولت، مقاوم، منعطف و تقویت شود. زیرا حاکمیت بخش دولتی خوب نمی‌تواند بدون حکمرانی خوب نظارت بانکی پایدار بماند و بالعکس. بنابراین، لازم است نهاد ناظر از رویه‌های حاکمیتی با کیفیت بهره‌مند شود که پیش‌نیاز حکمرانی نظارتی خوب نهاد ناظر داشتن زیربنای نهادی محکم است و چهار مؤلفه که عناصر زیربنایی حکمرانی نظارتی خوب را تشکیل می‌دهند عبارتند از: استقلال، پاسخگویی، شفافیت و یکپارچگی است. از سوی دیگر، از جمله اصول حاکمیت شرکتی برای نهاد ناظر مقوله‌های اهداف و ساختار حاکمیتی آن و حمایت قانونی از ناظران را هم مدنظر دارد. با این وصف، لازمه پاسخگویی و شفافیت استقلال می‌باشد که در این رابطه استقلال بانک مرکزی امری ضروری است چرا که با تحقق این مهم، بانک مرکزی و به تبع آن حوزه نظارت می‌تواند با استقلال در سیاست‌گذاری پولی و بانکی، همراه با مدیریت انتظارات و کاهش عدم‌اطمینان بازار و متعهد به اهداف و سیاست‌ها و مقررات نظارتی مشخص و بدون تغییر، نظم مطلوبی را در نظام پولی کشور

ایجاد کند و ایمنی و سلامت و ثبات بازار پولی و بانکی کشور را تعهد نماید و به نظارتی کارآ، اثربخش و به بیانی دیگر بهره‌وری دست یابد به گونه‌ای که کارآمدی سیستم اقتصادی کشور را افزایش دهد. بر این اساس، به‌منظور دستیابی به موفقیت در موضوعاتی نظیر شفافیت، پاسخگویی، یکپارچگی و انسجام، حرکت به سمت استقلال بانک مرکزی الزامی است.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در واقع، پژوهش حاضر، ضمن ارائه الگوی حکمرانی نظارتی مقاوم بر شبکه بانکی کشور، به ارائه راه‌کارهای مدونی برای ارتقای فرایند نظارت بانکی، مقررات‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری بهتر و حکمرانی خوب مبادرت نموده است. از طرفی، در نظریه‌ها و ادبیات موضوع در هر تحقیقی پیرامون مؤلفه‌ها و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی یا حکمرانی نظارتی نهاد ناظر بالاخص نهاد نظارت بر بانک‌ها، تنها به ابعاد استقلال و پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و شفافیت و انسجام و یکپارچگی و همچنین لزوم توجه به حمایت قانونی از ناظران و تبیین اهداف و ساختار حاکمیتی آن اشاره شده است. از سویی، درخصوص مقاوم‌سازی شبکه بانکی و حاکمیت شرکتی آنها، گزارش‌ها و مطالعات بسیاری صورت پذیرفته است ولی پیرامون مقاوم‌سازی نهاد ناظر بر آنها تاکنون گزارشی منتشر نشده است. از طرفی، از سال ۲۰۱۲ تاکنون اغلب گزارش‌های توسعه‌ای بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد درخصوص تاب‌آوری ملی و حکمرانی مقاوم در عرصه ملی بوده است اما به‌طور خاص پیرامون مقاوم‌سازی نهادهای ناظر و به‌طور خاص نظارت بانکی تا کنون شاخصی ارائه نشده است که در تحقیق حاضر این مهم مورد مطالعه واقع شد و نتایج و یافته‌های آن ویژگی‌های مقررات‌گذاری بهتر مبتنی بر ضرورت، سادگی، انسجام و ضمانت اجرا و تاب‌آوری مبنی بر پرتدبیری و استحکام در تنظیم سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و مقررات ناظر بر شبکه بانکی و به‌طور کلی تمام مراجع سیاست‌گذار در سطح کلان به‌عنوان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مقاوم‌سازی حکمرانی به‌دست آمد. با عنایت به مراتب پیشگفته، پاسخ هر یک از سؤالات تحقیق با توجه به نتایج به‌دست آمده به این شرح بیان می‌شود:

- در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش حاضر مبنی بر این که الگوی بهینه حکمرانی نظارتی اثربخش، کارآ و مؤثر بر شبکه بانکی کشور در چیست، یادآوری می‌شود که مدل داده بنیاد مستخرج از داده‌های تحقیق شکل‌های ۳ و ۴ پاسخ سوال یاد شده می‌باشند که شرح آن پیشتر از نظر گذشت.
- در پاسخ به سؤال فرعی اول مبنی بر این که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی نظارتی بانک مرکزی مطابق با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان کدامند، نتیجه‌گیری می‌شود که شرایط زمینه‌ای مستخرج از داده‌های تحقیق مبنی بر استقلال، شفافیت و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، هماهنگی و یکپارچگی، مقررات‌گذاری بهتر و تاب‌آوری، پاسخ سؤال مزبور می‌باشد.
- در پاسخ به سؤال فرعی دوم مبنی بر این که روابط بین مؤلفه‌ها، ارکان و شاخص‌های الگوی مزبور چیست، نشان داده می‌شود که مدل مشروح داده بنیاد مستخرج از داده‌های تحقیق (شکل شماره ۵) پاسخ سؤال یاد شده می‌باشد که شرح آن پیشتر از نظر گذشت.
- در پاسخ به سؤال فرعی سوم مبنی بر این که منطق انتخاب این مؤلفه‌ها و روابط بین آنها چیست، نشان داده می‌شود که ادبیات بیان شده در تحقیق منطق و خردمایه انتخاب مؤلفه‌های مدل داده بنیاد برآمده از تحقیق حاضر را شرح داده است.
- در پاسخ به سؤال فرعی چهارم مبنی بر این که چگونه می‌توان الگوی حکمرانی نظارتی بانکی را به‌طور کامل پیاده نمود تا اهداف مقرر در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و الزامات بانکی بین‌المللی را محقق سازد، راهبردهای مستخرج از داده‌های تحقیق مبنی بر بازنگری قوانین و مقررات و تنقیح قوانین و مقررات بانکی، طراحی سیستم سیاستگذاری مالی یکپارچه، نهادینه‌سازی سیستم سیاستگذاری مالی یکپارچه، اصلاح نظام بانکی، تقویت نظارت بانکی و فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی نظارت بانکی، پاسخ سؤال مزبور می‌باشد.
- در پاسخ به سؤال فرعی پنجم مبنی بر این که الزامات به‌کارگیری و پیاده‌سازی کارآمد و اثربخش الگوی مزبور چیست، شرایط مستخرج از داده‌های تحقیق مبنی بر اهداف و ساختار حاکمیتی نظارت بانکی، حمایت قانونی از ناظر و استفاده بهینه از شرایط مساعد محیطی و همچنین ایجاد شرایط زمینه‌ای و میانجی و همچنین راهبردهای مستخرج از داده‌های تحقیق، پاسخ سؤال مزبور می‌باشد.

نهایتاً، راهبردهای ارایه شده در مدل داده بنیاد تحقیق مبنی بر بازنگری قوانین و مقررات و تنقیح قوانین و مقررات بانکی، طراحی سیستم سیاستگذاری مالی یکپارچه، نهادینه‌سازی سیستم سیاستگذاری مالی یکپارچه، اصلاح نظام بانکی، تقویت نظارت بانکی و فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی نظارت بانکی در واقع پیشنهادات برآمده از تحقیق به‌منظور ایجاد تغییر و پیاده‌سازی الگوی حکمرانی نظارتی مقاوم بر شبکه بانکی کشور می‌باشد که در پرتو آن به اهداف عالی نظام اقتصادی که در اسناد بالادستی تبیین شده است، می‌توان دست یافت.



منابع و مأخذ

منابع فارسی و انگلیسی

- [1] Barth, James, Gerard Caprio, and Ross Levine, (2013): *The Regulation and Supervision of Banks Around the World: A New Database*, in Brookings-Wharton Papers on Financial Services, ed. by Robert Litan and Richard Herring (Washington: Brookings Institution Press).
- [2] Dragomir, Larisa, (2010): *European Prudential Banking Regulation and supervision*, Routledge.
- [3] Quintyn, Marc, Silvia Ramirez, and Michael Taylor, (2007): *Fear of Freedom – Politicians and the Independence and Accountability of Financial Sector Supervisors*, 58 References IMF Working Paper 07/25 (Washington: International Monetary Fund). Also, Chapter 3 in *Designing Financial Supervision Institutions: Independence, Accountability, and Governance*, eds. Donato Masciandaro and Marc Quintyn (Cheltenham, U.K.: Edward Elgar).
- [4] Das, S. Udaibir, and Marc G. Quintyn (2007): *Crisis Prevention and Crisis Management: The Role of Regulatory Governance*, in R. Litan, M. Pomerleano and V. Sundararajan, (eds), *Financial Sector Governance: the Role of the Public and Private Sectors*, (Washington D.C.: Brookings Institution Press).
- [5] Arnone, Marco, and Alessandro Gambini, (2007): *Architectures of Financial upervisory Authorities and the Basel Core Principal*, Chapter 7 in *Designing Financial Supervision Institutions: Independence, Accountability, and Governance*, eds. Donato Masciandaro and Marc Quintyn (Cheltenham, U.K.: Edward Elgar).

- [۶] قنبری، حمید: *گزارش ورشکستگی موسسات مالی چرا و چگونه*، انتشارات بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۹۲.
- [۷] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی: *سلسله گزارش‌های کارشناسی پیرامون اقتصاد مقاومتی*، ۱۳۹۴.
- [۸] رجبی، زینب: *گزارش تبیین الگوی کارکردی مقاوم‌سازی شبکه بانکی کشور با هدف حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی*، انتشارات بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۹۵.
- [9] Čihák, Martin, and Richard Podpiera, (2007): *Experience with Integrated Supervisors: Governance and Quality of Supervision*, Chapter 8 in *Designing Financial Supervision Institutions: Independence, Accountability, and Governance*, ed.
- [10] Harm Christian, (2007): *The Governance of the Banking Firm*, paper presented at the SUERF Seminar “Corporate Governance in Financial Institutions,” Nicosia, Cyprus, March 29–30, 2007.
- [11] Das, S. Udaibir, Quintyn, Marc, Chenard, Kina (2009): *Does Regulatory Governance Matter for Financial System Stability?*, An Empirical Analysis, IMF Working Paper.
- [12] Spiros G. Stavrinakis, and et.al, (2007): *Corporate Governance in Financial Institutions*, (four papers), ISBN 978-3-902109-39-2.
- [13] Association of Supervisors of Banks of the Americas, (2015): *Corporate Governance in Bank Supervisory Agencies*, ASBA WORKING GROUP NO. 4.
- [14] Basel Committee on Banking Supervision, (2012): *Core Principles for Effective Banking Supervision*, (Basel: Bank for International Settlements).

- [15] International Monetary Fund and World Bank, (2013): ***Implementation of the Basel Core Principles for Effective Banking Supervision: Experiences, Influences and Perspectives***, IMF and World Bank Background Paper (Washington).
- [۱۶] بازرگان، عباس: ***مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق آمیخته و کیفی***، انتشارات دیدار، تهران، ۱۳۸۷.
- [۱۷] دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل؛ ***روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع***؛ چاپ اول؛ انتشارات صفار، تهران ۱۳۹۳.
- [18] Harm Christian, (2007): ***The Governance of the Banking Firm***, paper presented at the SUERF Seminar “Corporate Governance in Financial Institutions,” Nicosia, Cyprus, March 29–30, 2007.
- [19] Halme, Liisa, (2000, 2011): ***Bank Corporate Governance and Financial Stability***, in *Financial Stability and Central Banks: Selected Issues for Financial Safety Nets and Market Discipline*, ed. by Liisa Halme and others (London: Centre for Central Banking Studies, Bank of England).